

# بررسی رابطه بین اعتماد، شرم، و گناه با خود متمایز سازی در بین دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۹

دکتر محمود جمالی فیروز آبادی\*

سلیمان زارعی\*\*

زهرا اسدی\*\*\*

## چکیده

نپوهش حاضر با هدف تعیین رابطه اعتماد، شرم و گناه با خود متمایز سازی در بین دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی تهران صورت گرفته است. تعداد ۱۱۶ دانشجوی متاهل (۲۵ مرد و ۹۱ زن) به روش تصادفی ساده و با استفاده از جدول نمونه گیری مورگان-گرجسی از میان دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انتخاب گردید. داده ها با استفاده از پرسش نامه جمعیت شناختی، پرسش نامه خود متمایز سازی (DSI-2)، مقیاس اعتماد (TS) و پرسش نامه عاطفه خود-آگاه (TOSCA-2) جمع آوری و با استفاده از آزمون های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه، همبستگی پاره ای و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج نشان داد که خود متمایز سازی با اعتماد رابطه ی معنادار مثبتی دارد ( $p < 0/01$ ،  $r = 0/43$ ) و با شرم رابطه ی معنادار منفی دارد ( $p < 0/01$ ،  $r = -0/59$ ). همچنین بین خود متمایز سازی و گناه رابطه ی معنادار منفی وجود دارد ( $p < 0/01$ ،  $r = -0/57$ ). بین جنسیت و متغیرهای مورد مطالعه خود متمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه رابطه ای بدست نیامد. در نهایت ترکیب خطی متغیرهای اعتماد، شرم و گناه ۵۸ درصد از واریانس خود متمایز سازی را در بین دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی پیش بینی کردند. بنابراین افراد با میزان خود متمایز سازی بالا اعتماد بیشتری در روابط زناشویی را تجربه می کنند و احساس شرم و گناه در آنها پائین است.

واژه های کلیدی: خود متمایز سازی، اعتماد، شرم، و گناه.

سطح کارکرد در روابط صمیمی روی هر فرد در مراحل مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد و عواملی که به این کارکرد مرتبط هستند بسیار گسترده و برای درک این سطح از کارکرد مهم و ضروری می‌باشند. پژوهش‌ها مطرح می‌کنند که مفهوم "خود متمایز سازی"<sup>۲</sup> بوئن در رشد روانی-اجتماعی فرد (جنکینس<sup>۳</sup>، بوبولتز جی آر<sup>۴</sup>، شوارتز<sup>۵</sup> و جانسون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ پلگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵) و رشد روان شناختی (برهمند، ۲۰۱۰<sup>۸</sup>؛ پلگ-پوپکو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲) او تأثیرگذار است. متغیرهای فردی، موقعیتی و ارتباطی از قبیل خود متمایز سازی، دلبستگی، اعتماد، شرم و گناه با توانایی فرد برای کارکرد در روابط زناشویی مرتبط هستند. بر اساس نظریه نظام‌های خانواده، خود متمایز سازی سطحی را توصیف می‌کند که یک شخص قادر است بین کارکرد عقلانی و عاطفی خود در روابطش با صمیمیت و خودمختاری تعادل برقرار کند (باون<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۷؛ اسنارچ<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۷). بر اساس این نظریه چهار عاملواکنش‌پذیری عاطفی<sup>۱۲</sup>، گسلس عاطفی<sup>۱۳</sup>، امتزاج با دیگران<sup>۱۴</sup> و توانایی به دست آوردن جایگاه‌هن<sup>۱۵</sup> سطح خود متمایز سازی یک فرد را تشکیل می‌دهند (دوکسار<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸).

خود متمایز سازی بطور مثبتی با رشد روانی-اجتماعی در دوران جوانی ارتباط دارد. بطور ویژه، افرادی که از لحاظ هیجانی (عاطفی) واکنشی هستند، کمتر قابل اعتماد می‌باشند، تردید بیشتری را تجربه کرده و هویت متزلزلی دارند. علاوه بر این افرادی که از صمیمیت می‌ترسند و خود را از دیگران دور نگه می‌دارند بطور قابل توجهی سازگاری روانی-اجتماعی کمتری دارند، در مقابل افراد متمایز یافته تر، هویت پایدارتر و صمیمیت بیشتری در روابطشان دارند (جنکینس، بوبولتز جی آر، شوارتز و جانسون، ۲۰۰۵؛ کوئن<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۰). بطور ویژه، زوج‌هایی که واکنش‌پذیری عاطفی، گسلس عاطفی کمتری دارند و قادرند از عقاید خود دفاع کنند، میزان بالاتری از سازگاری و رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند (اسکورن<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۰؛ اسکورن و اسمیت<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۳).

افرادی که خود متمایز سازی بیشتری دارند، در روابطشان سبک دلبستگی اجتنابی کمتری نشان می‌دهند و بیشتر به دیگران اعتماد می‌کنند (اسکورن و دندی<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۴). علاوه بر این افراد با سبک دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا به سختی به همسران خود اعتماد می‌کنند. بر خلاف آن، افراد با سبک دلبستگی ایمن در رابطه‌ی زناشویی خود سطوح بالاتری از اعتماد دارند (هازان<sup>۲۱</sup> و شیور<sup>۲۲</sup>، ۱۹۸۷؛ سیمپسون<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۰). همچنین افراد با سبک دلبستگی ایمن

<sup>۲</sup>. Self - Differentiation

<sup>۳</sup>. Jenkins, S.M

<sup>۴</sup>. Buboltz J.R

<sup>۵</sup>. Schwartz, J.P

<sup>۶</sup>. Johnson, P

<sup>۷</sup>. Peleg, O

<sup>۸</sup>. Barahmand, U

<sup>۹</sup>. Peleg-Popko, O

<sup>۱۰</sup>. Bowen, M

<sup>۱۱</sup>. Schnarch, D

<sup>۱۲</sup>. emotional reactivity

<sup>۱۳</sup>. emotional cut off

<sup>۱۴</sup>. fusion with others

<sup>۱۵</sup>. I-position

<sup>۱۶</sup>. De cesare

<sup>۱۷</sup>. Kowen, D.O

<sup>۱۸</sup>. Skowron, E.A

<sup>۱۹</sup>. Schmitt, T

<sup>۲۰</sup>. Dendy, A.K

<sup>۲۱</sup>. Hazan, C.

<sup>۲۲</sup>. Shaver, P

<sup>۲۳</sup>. Simpson, J

دیگران را قابل اتکاتر و اعتمادتر می‌بیند (کولین و رید<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰).

یقیناً اعتماد یکی از مطلوب‌ترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق بعنوان هسته مرکزی یک رابطه ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود (براون<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۱). سطح اعتماد یک فرد از عواملی است که بطور بالقوه روی کارکرد مناسب او در رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. اعتماد در فرهنگ لغت به عنوان اعتقاد قوی به یکپارچگی و توانایی، فرد یا یک چیز تعریف شده است. (موریس<sup>۲۶</sup>، ۱۹۸۱). اعتماد، احساس امنیت در مورد رفتارهای پیش‌بینی‌نشده‌ی فرد دیگری است. نبود اعتماد در روابط زناشویی تعاملات صمیمی و احساس امنیت را به تباهی می‌کشد. سطوح بالاتر اعتماد سبب افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی و بالا بردن افزایش توانایی اعتماد کردن به دیگران می‌شود (روتتر<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۵). پژوهش اسکورن (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که افراد متمایز یافته از ازدواج خود رضایت بیشتری دارند و به تبع آن اعتماد بیشتری در روابطشان را تجربه می‌کنند.

رِمپل<sup>۲۸</sup>، هولمز و زانا<sup>۲۹</sup> (۱۹۸۶) ابراز تعجب کردند که اعتماد به عنوان یکی از ویژگی‌های مطلوب در روابط در ادبیات پژوهشی گذشته زیاد مورد توجه قرار نگرفته است. آنها اعتماد بین فردی در رابطه زناشویی را در سه بعد شامل «وفاداری، پیش‌بینی‌پذیری و قابلیت اعتماد» مورد بررسی قرار دادند، آنها دریافتند که، وفاداری، مهم‌ترین عامل اعتماد در روابط زناشویی است و زمانی افراد بطور مکرر نسبت به همسر خود بی‌توجه می‌شوند، وفاداری همسرشان به آنها سست می‌شود و در نتیجه کمتر قابل اعتماد می‌شوند. پژوهش نشان می‌دهد افرادی که نسبت به رفتار همسر خود واکنش‌پذیری عاطفی بیشتری دارند، به دلیل پائین بودن میزان خود متمایز سازی سطوح بیشتری از بی‌اعتمادی را نسبت به همسر خود احساس می‌کنند (رِمپل، هولمز و زانا، ۱۹۸۶). پژوهش دان و اسکویتزر<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که افرادی که در موقعیت‌های گوناگون به طور متفاوتی رفتار می‌کنند در شرایط مختلف قادر نیستند که عقاید خود را حفظ کنند در مقایسه با افرادی که احساس ثابتی از خود دارند اعتماد کمتری را به همسران خود ابراز می‌کنند هنگامی که در زندگی زناشویی معارضات افزایش می‌یابند، اعتماد بین زوجین شروع به کاستن خواهد کرد و زوج‌ها نسبت به یکدیگر تعهد کمتری خواهند داشت (رتزینگر<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۱؛ پونزتی و کیت<sup>۳۲</sup>، ۱۹۸۶؛ لافولت و گراهام<sup>۳۳</sup>، ۱۹۸۶؛ جانسون و توماس<sup>۳۴</sup>، ۱۹۹۶). بنابراین این احتمال وجود دارد، که هنگامی تعارض و تعاملات اختلاف برانگیز بین زوجین افزایش یابد متقابلاً تجربه‌ی شرم و گناه در آنان افزایش یابد.

شرم و گناه عواملی هستند که نشان داده‌اند همبستگی معناداری با سطح کارکرد یک رابطه دارند. اکثر پژوهش‌ها شرم و گناه را به عنوان دو هیجان متفاوت و متمایز تعریف کرده‌اند که در بافت تجربیات انسان با هم تداخل دارند و عموماً بعد از شکست در تعاملات با دیگران اتفاق می‌افتند. گناه به عنوان هیجانی براساس ناکامی توصیف شده است، جایی که فرد احساس اضطراب، ترس و عصبانیت می‌کند و این نیاز را احساس می‌کند که برای جبران باید به نحوی رفتار کند که استانداردهای اخلاقی درونی را نقض نکند. هنگام توضیح گناه تمرکز روی رفتار است. در شرم تمرکز روی «خود»<sup>۳۵</sup> به عنوان یک کل است. در این حالت شرم به عنوان هیجانی براساس احساسات افسرده

<sup>۲۴</sup>. Collins, N.L. & Read, S.J

<sup>۲۵</sup>. Brown, D

<sup>۲۶</sup>. Morris, W

<sup>۲۷</sup>. Rotter, J.B

<sup>۲۸</sup>. Rempel, J.K

<sup>۲۹</sup>. Holmes, J.G., & Zanna, M.P

<sup>۳۰</sup>. Dunn, J.R & Schweitzer, M.E

<sup>۳۱</sup>. Retinger, S

<sup>۳۲</sup>. Ponzetti, J. & Cate, R.M

<sup>۳۳</sup>. Lafollette, H & Graham, G

<sup>۳۴</sup>. Johnston, S.G & Thomas, A.M

<sup>۳۵</sup>. Self

کننده از قبیل ناامیدی، حماقت و آرزو برای اجتناب از بودن در کنار دیگران بخاطر ترس از طرد شدن تعریف شده است (تانگنی<sup>۳۶</sup>، واگنر<sup>۳۷</sup>، هیل-بارلو<sup>۳۸</sup>، مارشال و گرمزو<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۶؛ اسمادر و لیکل<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۶).

طبق دیدگاه کافمن<sup>۴۱</sup> (۱۹۸۱) شرم در روابط خانوادگی پرورش داده می‌شود و روی ادراکات از روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. انسان‌ها موجودات اجتماعی‌ای هستند که نیاز دارند به دیگران اعتماد و اتکا کنند، شرم در بافت شکستن یک اعتماد و حمایت بین فردی گسترش پیدا می‌کند (برونو<sup>۴۲</sup>، لتواک و آگین<sup>۴۳</sup>، ۲۰۰۹). کوورت و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که افراد مستعد تجربه شرم و گناه به احتمال زیادی مشکلات بین فردی و روانشناختی را تجربه می‌کنند که این به معنای تمایز یافتگی پائین است.

مطرح شد که خود متمایز سازی بعنوان تعادلی بین واکنش پذیری عاطفی و کارکرد عقلانی در نظر گرفته می‌شود آنجایی که شرم و گناه بعنوان هیجان‌اتی در نظر گرفته می‌شوند که بعد از شکست در تعاملات با دیگران اتفاق افتند، قابل تصور است که شرم و گناه بخشی از واکنش‌پذیری عاطفی که یک بعد از خود متمایز سازی باشد، باشند. اعتماد، شرم و گناه عواملی هستند که می‌توانند با چگونگی کارکرد عملکرد (افراد به عنوان روح در ارتباط باشند هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه اعتماد، شرم و گناه با خود متمایز سازی در دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی تهران است. با توجه به این هدف فرضیه‌های تدوین شد که عبارتند از:

۱. بین خود متمایز سازی و اعتماد رابطه مثبت وجود دارد.
۲. بین خود متمایز سازی و شرم رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین خود متمایز سازی و گناه رابطه منفی وجود دارد.
۴. خود متمایز سازی بوسیله اعتماد، شرم و گناه قابل پیش بینی است.

## روش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی، جملگه آماری در این پژوهش شامل دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی تهران می‌باشد که در سال تحصیلی ۸۹ مشغول به تحصیل بود طبق آمار دریافت در حدود ۸۳ دانشجوی متاهل در این دانشگاه به تحصیل مشغول تلفونه گیری به روش تصادفی ساده و با توجه به جنسیت دانشجویان متاهل از روی لیست صورت گرفت حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه گیری مورگنر<sup>۴۱</sup> مشخص شاطبق این جدول، از جامعه آماری به تعداد ۸۴ نفر باید ۱۲۰ نفر انتخاب گردد نهایت با در نظر گرفتن احتمال ریزش آزمودنی‌ها حجم ۳۳ نفر انتخاب شد که در بررسی داده‌ها با در نظر گرفتن هلی از دست داده، تعداد ۱۱۰ نفر (۲۵ مرد و ۹۱ زن) در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت پرسش نامه جمعیت شناختی: در این پرسش نامه سوالاتی در زمینه مشخصات فردی، میزان درآمد، جنسیت و قومیت درج شده است.

پرسش نامه‌ی خود متمایز سازی<sup>۴۴</sup> (DSI): فرم اولیه این پرسش نامه توسط اسکورن و فراید لندر (۱۹۹۹) تهیه شده و آزمون نهایی توسط جسکون در ۶۶ گویه بر مبنای نظریه باون ساخته شده است و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت تجدیدنظر شد. این پرسش نامه بصورت خود گزارش دهی است که تمرکز اصلی آن روی

<sup>۳۶</sup>. Tangney, J.P

<sup>۳۷</sup>. Wagner, P.E

<sup>۳۸</sup>. Hill-Barlow, D

<sup>۳۹</sup>. Marschall, D.E & Gramzow, R

<sup>۴۰</sup>. Schmader, T & Lickel, B

<sup>۴۱</sup>. Kaufman, G

<sup>۴۲</sup>. Bruno, S

<sup>۴۳</sup>. Luwak, N & Agin, M.A

<sup>۴۴</sup>. Differentiation Of Self Inventory-Revised (DSI-R)

ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده ی اصلی است (اسکورن، ۲۰۰۳؛ به نقل از اسکیان ۸۴). پرسش نامه - ی مذکور از ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، گسلسش عاطفی، جایگاه من، و آمیختگی با دیگران تشکیل شده است. حداکثر نمره ی این پرسش نامه برابر با ۲۷۶ است. نمره ی کمتر در این پرسش نامه نشانه ی سطوح پائین تمایز یافتگی است. یونسی در سال ۱۳۸۵ پرسشنامه مذکور را هنجاریابی کرد و ضریب پایایی را برای کل و خرده مقیاس ها به صورت زیر گزارش کرد:  $ER=0/77$ ،  $IP=0/60$  و  $EC=0/65$  و  $FO=0/70$  گزارش شده است و روایی محتوایی آن را از روش همسانی درونی  $0/83$  گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۹۲٪ بدست آمد که در حد مطلوب می باشد.

پرسش نامه عاطفه خود آگاه<sup>۴۵</sup> (TOSCA-2): "آزمون عاطفه خود آگاه"، یک ابزار خود سنجی و مداد کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می کند که ۱۱ وضعیت آن از نظر اجتماعی دارای ارزش مثبت و ۵ وضعیت آن دارای ارزش منفی است. تمام سوالات به صورت مثبت نمره گذاری می شوند و پاسخ دهندگان پاسخ های احساس هیجانی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آنها را رتبه می دهند. تمام سناریوهای این آزمون آیتیم های شرم و گناه و اشتغال ذهنی با احساس گناه هستند. TOSCA بر اساس نظریه و تحقیقات لوپس و لیندزی-هارتز ساخته شده است. از نظر لپایی در پژوهش فرگوسن<sup>۴۶</sup> و همکاران (۲۰۰۱) که بر روی ۱۳۲ دانشجوی مقطع کارشناسی صورت گرفت، ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس شرم<sup>۴۷</sup> و برای احساس گناه ۰/۷۸ گزارش شده است. در پژوهش انوشه ایی و همکاران (۱۳۸۵) نتایج حاصل از باز آزمایی این آزمون پس از چهار هفته بر روی دانشجویان ضریب پایایی احساس شرم و احساس گناه به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۰ به دست آمد. علاوه بر این ضریب ثبات درونی یا آلفای کرونباخ کلی پرسش نامه ۰/۸۵ و برای احساس شرم ۰/۸۵ و برای احساس گناه ۰/۷۴ گزارش شده است. تانگنی و همکاران (۱۹۹۲) روایی سازه دو مقیاس شرم و گناه را در حد مناسب گزارش کرده اند. آنها در پژوهش ۲۰۰۳ خود نیز روایی این آزمون را برای سنجش سازه های تئوریک شرم و گناه تأیید می کنند. در ایران روایی صوری این آزمون مورد تأیید اساتید رشته های مشاوره و روان شناسی قرار گرفته است (۱۳۸۷). در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس های شرم و گناه به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۰ بدست آمد.

مقیاس اعتماد<sup>۴۸</sup> (TS): مقیاس اعتماد رومپل و هولمز (۱۹۸۶) یک ابزار خود گزارشی عبارتست از عبارتی است که میزان اعتماد افراد نسبت به همسرشان را می سنجد. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان توافق یا عدم توافق خود را با جملات مربوط به اعتماد بیان می کند. بعضی از عبارات این پرسش نامه از مقیاس روابط بین فردی<sup>۴۹</sup> (IRS) که توسط شلاین<sup>۴۹</sup>، گورنی و استور<sup>۵۰</sup> تهیه شده، گرفته شده است. این مقیاس دارای ۳ خرده مقیاس می که عبارتند از: پیش بینی پذیری وفاداری و قابلیت اعتماد در این مقیاس پائین ترین نمره ۱۸ (نشانه گر اعتماد پائین فرد نسبت به همسر) و بالاترین نمره ۱۲۶ (بیانگر اعتماد زیاد فرد است). از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط رومپل و همکاران (۱۹۸۵) برای کل مقیاس ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس های قابلیت اعتماد وفاداری و پیش بینی پذیری به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۰ و ۰/۷۰ گزارش شده است. بر اساس روایی پیش بین و افتراقی وفاداری با مقیاس عشق همبستگی قوی ای دارد  $r=0/46$ ،  $P<0/001$  (مقیاس عشق و دوستی را بین رابین<sup>۵۱</sup>، ۱۹۷۵). در ایران روایی صوری لک پرسش نامه توسط

<sup>۴۵</sup>. Test Of Self-Conscious Affect-2 (PFQ-2)

<sup>۴۶</sup>. Ferguson, T.J & al

<sup>۴۷</sup>. Trust Scale (TS)

<sup>۴۸</sup>. Interpersonal Relationship Scale

<sup>۴۹</sup>. Schlein

<sup>۵۰</sup>. Guerny & Stover

<sup>۵۱</sup>. Rubin, Z

اساتید گروه مشاوره و تعدادی از دانشجویان دکتری مشاوره مورد تأیید قرار گرفتند. سلیتی پژوهش نتایج حاصل از باز آزمایشی این آزمون به صورت مطالعه مقدماتی پس از سه هفته بر روی یک نمونه تصوری ضریب پایایی ۰/۷۷ بدست آمد. علاوه بر این در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۵ بدست آمد

## یافته

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری در دو سطح توصیفی (دامنه، میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه، همبستگی پاره ای و رگرسیون گام به گام) استفاده شد. دامنه تغییرات، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- دامنه تغییرات، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای خود متمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه

| انحراف استاندارد | میانگین | دامنه تغییرات |                 |
|------------------|---------|---------------|-----------------|
| ۰/۵۹۱            | ۳/۸۶    | ۲-۵           | خود متمایز سازی |
| ۱۸/۸۵            | ۸۸/۴۱   | ۳۳-۱۱۳        | اعتماد          |
| ۴/۴۵             | ۲۳/۸۳   | ۱۰-۴۱         | شرم             |
| ۴/۱۲             | ۱۵/۱۲   | ۶-۲۶          | گناه            |

در ابتدا به منظور بررسی تاثیر متغیرهای جمعیت شناختی (سن و درآمد شخصی) در نتایج تحقیق رابطه بین این متغیرها با متغیرهای مورد پژوهش (خود متمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه) بوسیله همبستگی پیرسون محاسبه شد. یافته های مربوط به این همبستگی در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت شناختی (سن و درآمد شخصی) متغیرهای مورد پژوهش

| متغیرها         | سن       | درآمد   |
|-----------------|----------|---------|
| خود متمایز سازی | ۰/۱۹۱*   | ۰/۲۰۹*  |
| اعتماد          | -۰/۰۴۸   | ۰/۰۱۵   |
| شرم             | -۰/۲۱۸** | -۰/۱۷۷* |
| گناه            | ۶-۲۶     | -۰/۱۵۷* |

$p < 0/05^*$        $p < 0/01^{**}$

این یافته ها نشان می دهند که سن و درآمد شخصی به طور معناداری با خود متمایز سازی در ارتباط هستند. بنابراین در پژوهش حاضر این متغیرهای مداخله گر کنترل می شوند.

همچنین به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت و قومیت) با متغیرهای مورد مطالعه (خود متمایز سازی، اعتماد، شرم، و گناه) تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) صورت گرفت. نتایج نشان داد که در سطح معناداری  $p < 0/05$  رابطه معناداری بین متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت و قومیت) با متغیرهای مورد مطالعه وجود ندارد. یافته های مربوط به تحلیل واریانس در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳- نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت و قومیت) و متغیرهای مورد مطالعه

| متغیرها         | جنسیت | قومیت |
|-----------------|-------|-------|
|                 | F     | F     |
| خود متمایز سازی | ۰/۳۹۱ | ۰/۵۴۷ |

|        |       |       |
|--------|-------|-------|
| اعتماد | ۰/۹۶۷ | ۲/۶۲۹ |
| شرم    | ۱/۲۲۶ | ۰/۹۱۰ |
| گناه   | ۰/۵۰۶ | ۰/۷۶۵ |

به منظور کنترل تاثیر متغیرهای مزاحم در نتیجه پژوهش از همبستگی پاره ای استفاده شد. جدول شماره ۴ نتایج همبستگی پاره ای (تفکیکی) برای تائید یا رد فرضیه های اول، دوم و سوم این پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۴- ضرایب همبستگی تفکیکی بین اعتماد، شرم و گناه با خود متمایز سازی پس از کنترل متغیرهای جمعیت شناختی (سن و درآمد شخصی)

| ملاک           | خود متمایز سازی | P       |
|----------------|-----------------|---------|
| پیش بین اعتماد | ۰/۴۳۸**         | ۰ / ۰۰۰ |
| شرم            | -۰/۵۹۳**        | ۰ / ۰۰۰ |
| گناه           | -۰/۵۷۴**        | ۰ / ۰۰۰ |

\*\* p < ۰/۰۱

نتایج نشان می دهد که پس از کنترل متغیرهای مداخله گر (سن و درآمد شخصی) رابطه مثبت معناداری بین خود متمایز سازی و اعتماد در روابط زناشویی وجود دارد (r=0.438, p<0.000) و فرضیه اول پژوهش تائید شد. فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی معناداری بین خود متمایز سازی و شرم در روابط زناشویی نیز تائید شد (r=-0.593, p<0.000). همچنین فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی معناداری بین خود متمایز سازی و گناه تائید شد (r=-0.574, p<0.000).

بمنظور تائید یا رد فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر پیش بینی خود متمایز سازی از روی اعتماد، شرم و گناه در بین دانشجویان متاهل دانشگاه های شهر تهران از رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی خود متمایز سازی از روی اعتماد، شرم و گناه

| متغیرها | R <sup>2</sup> | ΔR <sup>2</sup> | β         | P       |
|---------|----------------|-----------------|-----------|---------|
| شرم     | ۰ / ۳۸۸        | ۰ / ۳۸۸***      | - ۰ / ۳۵۷ | ۰ / ۰۰۰ |
| اعتماد  | ۰ / ۵۰۷        | ۰ / ۱۱۹***      | ۰ / ۳۳۶   | ۰ / ۰۰۰ |
| گناه    | ۰ / ۵۸۰        | ۰ / ۰۷۲***      | - ۰ / ۳۲۹ | ۰ / ۰۰۰ |

\*\*\* p < ۰/۰۰۱

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می دهد در مجموع شرم (R<sup>2</sup>=0.388, p<0.001)، اعتماد (ΔR<sup>2</sup>=0.119, p<0.001) و گناه (ΔR<sup>2</sup>=0.072, p<0.001) قادر به پیش بینی ۵۸ درصد از واریانس خود متمایز سازی در بین دانشجویان متاهل هستند.

## بحث

تمام متغیرهای موجود در مطالعه با خود متمایز سازی دانشجویان متاهل همبستگی معنی دار داشتند. در این میان،

اعتماد با خود متمایز سازی در روابط زناشویی همبستگی مثبت و شرم و گناه همبستگی منفی داشتند (جدول ۳). پژوهش های پیشین بطور گسترده ای رابطه بین خود متمایز سازی و اعتماد را مورد بررسی قرار نداده اند بنابراین ادبیات پژوهشی گذشته در مورد رابطه مستقیم این دو متغیر محدود است. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که پس از کنترل کردن متغیر های جمعیت شناختی سن و درآمد شخصی، هنگامی که سطح خود متمایز سازی افزایش یابد، سطح اعتماد نیز افزایش می یابد. قابل تصور است که افراد با سبک دلبستگی ایمن، گسلس عاطفی و واکنش پذیری عاطفی کمتری دارند و توانایی بالایی برای دفاع از عقاید و باورهای خود در روابطشان دارند. در رابطه با پژوهش حاضر هازان و شیور (۱۹۸۷) دریافتند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، اعتماد بیشتری را تجربه می کنند. به طور مشابه سیمپسون<sup>۵۲</sup> (۱۹۹۰) به این نتیجه رسید که افراد با سبک دلبستگی ایمن به احتمال بیشتری روابط قابل اعتمادی خواهند داشت. در پژوهش های مذکور دلبستگی ایمن بطور مستقیمی با افزایش اعتماد در روابط صمیمی در ارتباط است. از آنجایی که دلبستگی ایمن با اعتماد رابطه دارد به احتمال قوی با خود متمایز سازی در ارتباط است بنابراین، این فرضیه ی پژوهش حاضر را حمایت می کند که خود متمایز سازی و اعتماد بطور مستقل با هم در ارتباط هستند که با پژوهش لافولت و گراهام (۱۹۸۶)؛ اسکورون (۲۰۰۰)؛ کولینس و رید (۲۰۰۰)؛ و رمپل، راس و هولمز (۲۰۰۱)؛ دان و اسکویتزر (۲۰۰۶) همسو است.

چنین فرض شده است که افراد بخاطر آنچه بدان اعتقاد داشته و توانایی دفاع از عقاید خود را دارند، احساس یکپارچگی می کنند، بنابراین واکنشی نیستند و امتزاج کمتری دارند در نتیجه قادرند بخاطر آنچه که هستند احساس هویت کنند. بنابراین آنها برای اینکه احساس خوبی درباره خود و باورهایشان داشته باشند نیاز به تصدیق همسر خود ندارند، بنابراین زمانی همسرشان در برابر حفظ عقایدشان با آنها مجادله و بحث می کند احساس شرم نمی کنند. همانطور که باون (۱۹۷۸) و اسنارچ (۱۹۹۷) خاطر نشان می کنند افرادی که متمایز یافتگی پائینی دارند بخاطر کاهش دادن اضطراب خود با روابط سازگار می شوند. با این سازگاری آنها احساس گناه بیشتری می کنند. نتایج جدول (۳) نشان می دهد که بین شرم و خود متمایز سازی رابطه منفی معناداری وجود دارد. بلیور و گلن<sup>۵۳</sup> (۲۰۰۵) شرم را بعنوان یک عامل اساسی رشدی توصیف می کنند که در سنین کودکی شکل می گیرد. آنها بیان می کنند زمانی که کودک حس امنیت عاطفی و نزدیکی با مراقب اولیه اش را گسترش ندهد، احساس شرم شکل می گیرد. کمبود امنیت عاطفی یک بخش از ایده ای تمایز یافتگی است. زمانی افراد برای چگونگی احساس در مورد خودشان و سازگار شدن بمنظور ایجاد یک رابطه ایمن نیازمند تصدیق همسرشان می شوند، احساس شرم و ناامنی در آنها ایجاد می شود. بنابراین به خاطر ماهیت رابطه ای پژوهش حاضر قابل تصور است که زمانی سطح شرم کاهش یابد میزان خود متمایز سازی آنان افزایش یابد. یافته های پژوهش بلیور و گلن (۲۰۰۵) از پژوهش حاضر حمایت می کند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با پژوهش اسمادر و لیکل (۲۰۰۶)؛ کوورت و همکاران<sup>۵۴</sup> (۲۰۰۳)؛ تانگنی و همکاران (۱۹۹۶) همسو است.

همانند تفکرات در مورد رابطه ی شرم و خود متمایز سازی، زمانی افراد در برابر عقاید خود پایدار باشند و واکنش پذیری عاطفی و امتزاج کمتری داشته باشند قادرند که احساس خوبی از خود کسب کنند. در این حالت آنها برای احساس ارزشمندی از "خود - تصدیق"<sup>۵۵</sup> استفاده می کنند و می توانند باورهای خود را دنبال کنند بنابراین

<sup>۵۲</sup>. Simpson, J

<sup>۵۳</sup>. Blavier, D.C & Glenn, E

<sup>۵۴</sup>. Covert, M.V & et al

<sup>۵۵</sup>. self- validation



زمانی که همسرشان در برابر تغییرات ایجاد شده توسط آنها مخالفت می کنند آنها احساس گناه نمی کنند. علاوه بر این اسنارچ (۱۹۹۷) مطرح کرد که افراد متمایز نیافته برای اجتناب از اضطراب با روابط سازگاری می کنند و زمانی افراد بطور پیوسته سازگاری می کنند، احساس گناه بیشتری خواهند داشت. نتایج جدول (۴) نشان می دهد که بین گناه و خود متمایز سازی رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش تانگنی و همکاران (۱۹۹۶)؛ پینلز و استریت<sup>۵۶</sup> (۲۰۰۶)؛ و ویلیامز و بایبی<sup>۵۷</sup> (۲۰۰۴) همسو است.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول (۵) نشان می دهد که متغیرهای اعتماد، شرم و گناه قادر به پیش بینی خود متمایز سازی در بین دانشجویان متاهل هستند. همانطور که جدول (۴) نشان می دهد بعد از کنترل کردن متغیرهای جمعیت شناختی سن و درآمد شخصی بین اعتماد و خود متمایز سازی، شرم و خود متمایز سازی، و گناه با خود متمایز سازی رابطه معناداری وجود دارد بنابراین قابل درک است که ترکیب این سه متغیر (اعتماد، شرم و گناه) با خود متمایز سازی رابطه معناداری داشته باشند. علاوه بر این قابل تامل است که بیش از نیمی از واریانس خود متمایز سازی بخاطر ترکیب اعتماد، شرم و گناه است و نکته جالب این است که شرم قوی ترین رابطه را با خود متمایز سازی دارد.

دیگر یافته جالب پژوهش حاضر این است که گناه بطور مستقل رابطه قوی تری با خود متمایز سازی دارد اما زمانی که با متغیرهای اعتماد، شرم ترکیب می شود کمترین تاثیر را روی واریانس خود متمایز سازی در روابط زناشویی دارد. تعیین دلیل کاهش رابطه گناه و خود متمایز سازی بعد از ترکیب با متغیرهای اعتماد و شرم دشوار است، اما می تواند به خاطر این ایده باشد که برخی اوقات شرم و گناه در تجارب افراد تداخل دارند (تانگنی و دیرینگ<sup>۵۸</sup>، ۲۰۰۲). زیرا شرم عمدتاً یک هیجان شدید تر و قوی تر است که می تواند زمانی با گناه ترکیب شود تاثیر گناه را کاهش دهد. در کل این فرضیه که ترکیب اعتماد، شرم و گناه میزانی از واریانس خود متمایز سازی را پیش بینی می کنند کاملاً مورد حمایت است.

بناظر می رسد که رابطه بین خود متمایز سازی اعتماد شرم، و گناه یک مفهوم و درون مایه ی مهم است که از کار کردن با زوج ها و افراد بدست می آید علاوه بر این، مفهوم خود متمایز سازی می تواند یک عامل بسیار مهم در آموزش مهارت های فرزند پروری باشد چونکه پژوهش از این ایده حمایت می کند که شرم و گناه با رشد کودک در ارتباط هستند (جانسون و توماس<sup>۱۹۹۶</sup>؛ کولین و رید، ۲۰۰۰؛ ویلیامز و بایبی<sup>۲۰۰۴</sup>؛ بلیور و گلن<sup>۲۰۰۵</sup>) و پژوهش حاضر آنها را به مفهوم خود متمایز سازی ربط می دهد، برای کسانی که والدین آموزش می دهند بسیار کمک کننده است که به والدین در مورد تاثیر خود متمای سازی پائین آنها روی رشد اعتماد شرم و گناه در فرزندانشان آموزش دهند باون (۱۹۷۸) و اسنارچ (۱۹۹۷) بوضوح بیان می کنند که موضوعات خانواده مبدا روی خود متمایز سازی افراد در بزرگسالی تاثیر مستقیم دارد. هوانگ<sup>۵۹</sup> (۲۰۰۵) در بررسی چندین مورد، اهمیت مطرح کردن زندگی نامه ها را در جلسات زوج درمانی، بعنوان بخشی از خود متمایز سازی را مورد بررسی قرار داد. در این بررسی او به این نتیجه رسید که بحث در مورد موضوعات مربوط به خانواده مبدا می تواند به زوج ها کمک کند. بنابراین، این به همسران کمک می کند که درک کنند چگونه خود متمایز سازی خانواده مبدا آنها روی آنها و خانواده شان تاثیر می گذارد. از محدودیت های مهم پژوهش حاضر می توان به این اشاره کرد که داده های پژوهش از طریق خود گزارش دهی

<sup>۵۶</sup>. Pineles, S.L & Street, A.E

<sup>۵۷</sup>. Williams, C & Bybee, J

<sup>۵۸</sup>. Tangney, J.P & Dearing, R.L

<sup>۵۹</sup>. Hoang, L

آزمودنی‌ها جمع‌آوری شد و این شیوه همیشه تحت تاثیر عوامل متعدد تاثیر گذار چون گرایش پاسخ دهندگان به ارائه پاسخ‌های جامعه پسند می‌باشد. دیگر محدودیت پژوهش حاضر، پژوهش‌های محدود صورت گرفته در ایران در مبحث رابطه بین این متغیرها بود، که این مسئله تبیین نتایج پژوهش حاضر را با مشکل مواجه می‌کرد.

## منابع

- ثنائی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. چاپ دوم، تهران: انتشارات بعثت.
- یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون خودمتمایزسازی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Barahmand ,U.(2010).Self differentiation in women with and without mental disorders.*Journal Social and Behavioral Sciences*, 5 ,559-562.
- Blavier, D.C. &Glenn,E.(2005). The role of shame in perceptions of marital equity, intimacy , and competency. *The American journal of family therapy*,23,73-82.
- Bowen M.(1978).*Family therapy in clinical practice*. New York: J. Aronson.
- Brown ,D.(2001).*The relationship between attachment styles, Trust and the marital attitudes of college students*. Unpublished doctoral dissertation.Seton Hall University.
- Bruno, S., Lutwak ,N., &Agin, M.A.(2009).Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, self-disclosure, loneliness and alienation.*Journal of Personality and Individual Differences*, 47, 487-491.
- Collins, N.L. & Read, S.J.(2000).*Adult attachment, working models, andrelationship quality in dating couples*.*Journal of Personality and Social Psychology*, 58,644-663.
- Covert,M.V., Tangney, J.P., Maddux,J.E., Heleno,N.(2003). Shame-proneness, guilt-proneness , and interpersonal problem solving: a social cognitive analysis. *Journal of social and clinical psychology*,22,1-12.
- DeCesare ,S.D.(2008). *Anxiety and depression: self differentiation as a unique predictor*. Unpublished doctoral dissertation.Marywood University.
- Dunn,J.R. & Schweitzer, M.E. (2005).Feeling and believing: the influence of emotion on trust. *Journal of personality and social psychology*, 35 , 347-357.
- Ferguson, T.J., Stegge,H., Miller, E.R., &Olson, M.E.(2001).guilt , shame and symptoms in children. *Developmental psychology*,35, 347-357.
- Hazan, C. & Shaver, P.(1987).*Romantic love conceptualized as an attachmentprocess*. *Journal of Personality and Social psychology*, 52,511-524.
- Hoang, L. (2005). " I thought we came for therapy": autobiography sessions in couple work. *Australian and new zea land journal of family therapy*, 26 ,65-72.
- Jenkins, S.M., Buboltz Jr., W.C., Schwartz, J.P., &Johnson,P.(2005). *Differentiation of self and psychology development*. *Contemporary Family Therapy*,27,251-261.
- Johnston, S.G., & Thomas, A.M.(1996). *Divorce versus intact parental marriageand perceived risk and dyadic trust in present heterosexual relationship*.*Psychological Reports*, 78, 387-390.
- Kaufman,G.(1981). Shame: The power of caring. Cambridge.MA: Schenkman.*The American Journal of Family Therapy*,Vol.23, No.1, Spring 1995.
- Kwon , D.O.(2000). *The relationship between marital satisfaction , self steem and bowen differentiation of self*. Unpublished doctoral dissertation. Alliant International University , Los Angeles , California.
- LaFollette, H. & Graham, G. (1986). *Honesty and Intimacy*.*Journal of Social and Personal Relationships*, 3, 3-18.
- Morris, W. (ED).(1981). *The American Heritage Dictionary of English Language*. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Murray, S.L., Holmes, J.G., & Collins, N.L. (2006).Optimizing assurance: The

risk regulation system in relationships. *Psychological Bulletin*, 132, 641–666.

-**Özmen, O, Atik, G.(2010)**. Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 5 , 367–371.

-**Peleg, O. (2005)**. The relation between differentiation and social anxiety: what can be learned from students and their parents? *The American journal of family therapy*,33, 167-183.

-**Peleg-Popko, O. (2002)**. *Bowen theory: A study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms*. *Contemporary Family Therapy*, 24, 355-369.

-**Pineles , S.L & Street , A.E. (2006)**. The differential relationships of shame-proneness and guilt-proneness to psychological and somatization symptoms. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25 , 688-704.

-**Ponzetti, J. & Cate, R.M. (1986)**. *The development course of conflict in the marital dissolution process*. *Journal of Divorce*, 10, 1-15.

Rempel, J.K., Holmes,J.G., &Zanna,M.P.(1986). *Trust in close relationships*. *Journal of Personality*, 49, 95-112.

-**Rempel, J.K., Ross,M., &Holmes,J,G. (2001)**. *Trust and communicated attributions in close relationships*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 57-64.

-**Retzinger, S.(2001)**. The role of shame in marital conflict. *perspective on social problems*,3,234-239.

-**Rotter, J.B.(2005)**. Interpersonal trust, trustworthiness, and gullibility. *American Psychology*, 35, 1-7.

-**Rubin, Z.(1975)**. *Measurement of love*.*Journal of Personality and Social Psychology*, 16,265-273.

-**Schmader, T. &lickel , B (2006)**. The approach and avoidance function of guilt and shame emotions: comparing reactions to self caused and other caused wrongdoing. *journal of motivation and emotion*, 30 , 43-56.

-**Schnarch, D.(1997)**. *Passionate marriage*. New York: henry holt and company.

-**Simpson, J. (1990)**. *Influence of attachment styles on romantic relationships*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 971-980.

-**Skowron, E.A &Dendy, A.K.(2004)**. *Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control*. *Contemporary Family Therapy*, 26, 337-357.

-**Skowron, E.A. (2000)**. *The role of differentiation of self in marital adjustment*.*Journal of Counseling Psychology*, 47, 229- 237.

-**Skowron,E.A& Schmitt, T.(2003)**. *Assessing in interpersonal fusion: Reliability and Validity of a new Diffusion with other subscales*. *Journal of Marital and Family Therapy*, 2 , 209-222.

-**Tangney, J.P., Wagner, P.E., Hill-Barlow, D., Marschall, D.E., &Gramzow, R.(1996)**. *Relation of Shame and Guilt to constructive versus destructive responses to anger across the lifespan*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 797-809.

-**Tangney,J.P & Dearing , R.L.(2002)**. *Shame and Guilt*. New York &Lodon: The Guilford Press.

-**Williams, C.&Bybee, J. (2004)**.what do children feel guilty? Developmental gender differences. *Developmental psychology* , 30, 617-623.

